

واکاوی انتخاب ممدانی در نیویورک

علی مفتح

کارشناس مسائل سیاسی

انتخاب «زهران ممدانی» به سمت شهردار نیویورک، در مقام یک چهره مسلمان و منتقد صهیونیسم، از سوی بسیاری نشانه تحولی تاریخی در عرصه سیاسی غرب تلقی شده است.
باین حال، واکاوی ژرف‌تر این رویداد، روایتی متفاوت را پیش روی ما می‌گشاید. به راستی که این رخداد، نه یک پیروزی انقلابی، که نمونه‌ای بارز از ظرفیت سیستم لیبرال دموکراسی غرب برای جذب، مهار و بی‌ضرر سازی گفتمان‌های رادیکال و ضد همزمن می‌باشد.
نیاید از خاطر برد که انتخاب باراک حسین اوباما به ریاست جمهوری، حتی با هیجانی فراوان‌تر در درون و بیرون از ایالات متحده همراه بود، تا آنجاکه شمار زیادی چشم به راه دگرگونی‌های بنیادین یا حتی گونه‌ای «انقلاب» به دست وی بودند. واقعیت این است که برای فهم ماهیت سیستماتیک غرب، باید آن را به طور عینی تجربه و لمس کرد. همان گونه که همزمنی غربی در عرصه جهانی فعال است، شکل داخلی این همزمنی نیز به طور پیوسته در درون جوامع غربی عمل می‌کند. نکته کلیدی اما در حوزه سیاست‌گذاری نمایان می‌شود. شاید در غرب به سبب نیاز مبرم این جوامع به نیروی کار بتوان با تحمل مشقت‌ها به جایگاه‌های فنی، خدماتی و علمی دست یافت؛ اما هنگامی که پای سیاست‌گذاری به میان می‌آید، دیگر جایی برای هیچ گونه تسامح و امتیازدهی وجود ندارد. در این مرحله، سیستم یا راه را بر هر اندیشه و فرد متفاوت می‌بندد، یا آن را در خود غرق می‌کند، یا همان‌گونه که در انتخاب زهران ممدانی شاهد هستیم آن را در درون خود ادغام می‌کند. این امر نیز ناشی از نقش حساس‌تر سیاستمدار و سیاست‌گذار است که همانند بافنده‌ای، چنان که افلاطون اشاره می‌کند، وظیفه به هم بافتن همه اجزا و ارگان جامعه، از پزشکان و مهندسان گرفته تا دانشمندان و بازرگانان، در بافت کلی جامعه و برای سودان آن بر عهده دارد. از منظر اتنونیو گرامشی، طبقات حاکم تنها از طریق زور و اجبار حکمرانی نمی‌کنند، بلکه با ایجاد «همزمنی» فرهنگی، ارزش‌های خود را به عنوان «عقل سلیم» در جامعه نهادینه می‌سازند. یکی از کارآمدترین ابزارها در این فرایند، «جذب و انحراف» نخبگان و گفتمان‌های معترض است. این همان ترانسفورمیسیم یا دگرگون سازی است؛ فرآیندی که طی آن، پروژه‌های ضد همزمنیک تهی از محتوای رادیکال خود شده و به بخشی از بلوک همزمنیک مسلط تبدیل می‌شوند. اینجا با تحولی فراتر از ادغام رویه‌رو هستیم چرا که در ادغام ممکن است بخش ادغام شده به بلوک ادغام کننده متصل شود در حالی که در فرآیند دگرگون سازی ما شاهد تحول بخش ادغام شده هستیم. در این فرایند که شاهد اتفاق آن در انتخابات اخیر شهرداری‌ها در ایالات متحده بوده‌ایم، سیستم حاکم بر غرب، با احساس قدرت‌یابی گفتمان ضد صهیونیستی و رشد آگاهی‌های ضد امپریالیستی، به جای رویارویی مستقیم و ریسک مقابله‌ای ایدئولوژیک، به استراتژی ادغام متوسل شده است. صعود یک چهره شاخص این گفتمان به یک بست کلان اجرایی در مرکز ایالات متحده موجب می‌شود تیغ تیز انتقادهای او در بروکرآسی پیچیده آداری، ضرورت‌های ائتلاف‌سازی و محدودیت‌های عمل گرایانه کند شود. زهران ممدانی انقلابی ناگزیر است به «شهردار ممدانی» مدیر تبدیل گردد؛ مدبری که باید با نهادهای ذی نفوذ صهیونیستی و سرمایه دار تعامل کند و در چارچوب همان سیستمی عمل نماید که پیش‌تر خود را به‌روز و روز برانندازی ریشه‌ای آن بود. همچنین، با امتیاز دهی عنوان شهردار سعی خواهد شد تا ممدانی انقلابی تطمیع و آرام شود که نتیجه‌ان تلاش هرچه بیشتر وی برای حفظ جایگاه خود ولو با توسل به سازش و آرامش خواهد بود. این فرایند، نوعی «به‌روزرسانی همزمنیک» است. سیستم با این کار، هم خود را به‌روز و روز و روزاگر نشان می‌دهد و هم گفتمان انتقادی را در دام «عمل گرایی» و «مسئولیت پذیری» می‌اندازد. اگر می‌خواهید انتقاد کنید اول باید مسئولیت پذیر باشید و مسئولیت پذیری در درجه اول یعنی دست کشیدن از نیروی اعتراضی که می‌توانست به خیابان‌ها بیاید و در قالب جنبش‌های اجتماعی تداوم یابد. حال‌آن نیرو باید در دفتر شهردار و پشت میز مدیریت و در تعامل با همه، حتی گروه‌های حامی نسل کشی، محصور شود. این انتخاب، نه شکستی برای سیستم، که نمایشی از اعطاف پذیری و زیرکی آن برای بقا و تداوم همزمنی خود در عصری جدید است. سیستم ثابت می‌کند که قادر است حتی رادیکال‌ترین صورتبندی‌های اعتراض را نه با سرکوب، که با اعطای «مسئولیت»، خلع سلاح کند. در واقع، سیستم با مشروعت بخشی به سلاح معترض، وی را خلع سلاح می‌کند تا هم فرد مسلح به کنش گری اعتراضی احساس نارضایتی نکند و هم سلاح در دست وی تبدیل به نیرویی برای حفظ خود سیستم شود. همچنین باید توجه داشت که زمانی که از سیستم در غرب صحبت می‌شود از نوعی پدیده صحبت می‌شود که شیوه زیست خود را دارد. درک تفکر سیستم را نمی‌توان تنها با مطالعه اجزای آن درک کرد. تفکر سیستم نوعی اثر تفکر است که تفکر اجزا را هم در بر می‌گیرد. اولویت غایی سیستم در غرب، نه تحقق آرمان‌هایی چون عدالت با حقیقت، بلکه حفظ بقا و ثبات درونی از طریق کاهش پیچیدگی‌های محیطی است. این کار هم به کنترل و مدیریت بیش‌تر واکارآمدن آن کمک می‌کند که در مقایسه با یک شرایط بی‌نظمی یا پیچیده بسیار راحت‌تر است.

خبر

وزیر اطلاعات:

۳۰ درصد بودجه ارزی فراهم شده است

وزیر اطلاعات درباره خدمات امنیتی سایبری گفت: در این حوزه با کمک دستگاه‌های حیاتی و مجموعه‌های مختلف کشور، امروز شاهد شرایط به‌مراتب بهتری نسبت به سال‌های گذشته هستیم به طوری که با وجود همه‌گسترده‌تر نسبت به گذشته، امروز امنیت بیشتری را در جامعه احساس می‌کنیم که در دستگاه‌های مختلف می‌بینید. اسماعیل خطیب درباره موضوع بودجه ارزی برای زیرساخت‌های وزارت اطلاعات، گفت: با توجه به شرایط اقتصادی کشور، تاکنون حدود ۳۰ درصد آن محقق شده است که آن‌ها را در حوزه‌های ماهواره‌ای، سایبری، هوش مصنوعی، کوانتوم و دیگر فناوری‌های دیگر در مجموعه وزارت برای کارهای اطلاعاتی و مرزی محقق کرده و قدم‌هایی در این زمینه برداشته‌ایم.

مجید ابهری در گفت وگو با «آرمان ملی»:

بحران آب نتیجه سال‌ها

سوءمدیریت است



اظهاراتی مانند تخلیه تهران برای فرار از پاسخگویی است

بحران محیط زیست در کشور تنها مختص به بحران آب نیست

مدیرانی که به هشدارهای محیط زیستی توجه نکردند باید پاسخگو باشند

آرمان ملی – احسان انصاری: عمق بحران آب در کشور تا کجاست و قرار است چه اتفاقی در این زمینه رخ بدهد؟ مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی بحران آب چیست؟ مردم ایران با چه چشم‌انداز اجتماعی و زیست محیطی در آینده مواج‌ه هستند و چه باید کرد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر مجید ابهری آسیب‌شناس اجتماعی گفت‌وگو کرده است.
ابهری معتقد است: «واقعیت این است که کمبود آب در حال تبدیل شدن به بحرانی سراسری و شدید در ایران است. نمود‌های آشکار این عارضه در خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها نظیر دریاچه خشمکالی‌های اقلیمی همه و همه دست به دست هم داده و کشور و مردم را با دغدغه جدی کم‌آبی یا بی‌آبی مواجه کرده است. نکته دیگر اینکه بحران آب یک شبه به وجود نیامده و بلکه به دلیل برخی تصمیم‌ها و سوء تدبیرها بوده که ریشه در گذشته دارد. در واقع بحران آب نتیجه سال‌ها سوءمدیریت است. راه حل آن نیز آن چیزی نیست رئیس جمهور می‌گوید که باید تهران را تعطیل کرد و این نوع موضع‌گیری به نوعی فرار از پاسخگویی است. در کشور ما اغلب مدبری که روی کار می‌آید دنبال اصولی ریاست‌بعدی است و بیشتر به فکر جایگاه خود است تا حل مشکلات. به همین دلیل مشکلات تنها ازمدیری به مدیر دیگر منتقل شده است. دولت‌پزشکیان خود وارث مشکلاتی است که از دولت‌های گذشته به او رسیده است.

ارزیابی شما از بحران بی‌آبی و اظهارات و تصمیماتی که در این زمینه گرفته شده چیست؟

بحران محیط زیست در کشور تنها مختص به بحران آب نیست و بلکه در زمینه‌های دیگر نیز وجود دارد. فقدان مدیریت قدرتمند در زمینه منابع حیاتی آب، چه در زمینه کشاورزی و چه در مصرف‌ترازمند و نیز عدم توجه به آبخیزداری علمی و کشت اقدام آب بر در مناطق دچار تنش آبی، در کنار خشکسالی‌های اقلیمی همه و همه دست به دست هم داده و کشور و مردم را با دغدغه جدی کم‌آبی یا بی‌آبی مواجه کرده است. نکته دیگر اینکه بحران آب یک شبه به وجود نیامده و بلکه به دلیل برخی تصمیم‌ها و سوء تدبیرها بوده که ریشه در گذشته دارد. در واقع بحران آب نتیجه سال‌ها سوءمدیریت است. راه حل آن نیز آن چیزی نیست رئیس جمهور می‌گوید که باید تهران را تعطیل کرد و این نوع موضع‌گیری به نوعی فرار از پاسخگویی است. در کشور ما اغلب مدبری که روی کار می‌آید دنبال اصولی ریاست‌بعدی است و بیشتر به فکر جایگاه خود است تا حل مشکلات. به همین دلیل مشکلات تنها ازمدیری به مدیر دیگر منتقل شده است. دولت‌پزشکیان خود وارث مشکلاتی است که از دولت‌های گذشته به او رسیده است.

پیامدهای اجتماعی بحران آب چیست؟

از نگاه رفتارشناسی دو عامل بر رفتار و روان انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. عوامل درونی مثل مسائل ارثی، تغذیه، شرایط جسمی و عصبی و دوم عوامل محیطی مثل سرما و گرما، روشنایی و تاریکی، خشکی یا سراسری محیط زندگی. براساس همین اصل افراد ساکن مناطق کوهستانی مردمی رزم جو، دلبر و شجاع و ساکنان کنار جنگل‌ها و دریاها افرادی آرام، خوش‌قول و دوری‌گزین از دگرگیری و در نهایت ساکنان کویر مردمی سخت‌کوش، خشن و جدی هستند. براساس همین مختصات است که شرایط محیطی مثل خشکسالی، کم‌آبی، کمبود بارندگی به دو شکل بروح و روان مردم اثر می‌گذارد یکی ایجاد اضطراب و نگرانی نسبت به آینده و وحشت از کمبودها و کاستی‌ها در زندگی پیش رو و دیگری اضطراب و نگرانی و وحشت از فقر و تهی‌دستی و از دست دادن استعدادها و کشاورزی و باغداری و اجبار به مهاجرت از سرزمین مادری. در چنین شرایطی باید الگوهای مصرف جامعه براساس صرفه جویی و پرهیز از تشریفات‌گرایی تهیه و ارائه شود نه اینکه بعضی‌ها استخرهای پرآب خود را برای سرگرمی داشته باشند فضای سبز شان را آبیاری کنند و عده‌ای دیگر در حیرت آب آشامیدنی یا آب برای تن شویی باشند. برخی از ما ایرانیان خیلی اسراف‌کار هستیم و با زندگی موهنانه و اقتصادی آشنا نیستیم. اخبار تلخ خشک شدن دریاچه‌های کشور و خطرات ناشی از آن، دریاچه ارومیه، هامون و بختگان جز اضطراب و نگرانی برای مردم نتیجه‌ای ندارد و کاری از دست مردم بر نمی‌آید اما زیاده‌روی و اسراف در زندگی ما ایرانیان را رکورددار در جهان کرده است. اما‌ها می‌گوید مردم ایران شش برابر استاندارد جهانی نمک مصرف می‌کنند، نوشابه چهار برابر



منبع مشترک در ایران، به صورت تاریخی همواره دشواری‌های بسیاری وجود داشته است. ایران در منطقه خشک و نیمه خشک قرار گرفته و میزان نزولات جوی سالانه در ایران براساس گزارش شرکت مدیریت منابع آب ایران حدود یک سوم میزان ۸۰۰ میلی‌متری میانگین جهانی است. نزولات جوی به عنوان منبع اولیه تامین آب‌های جاری، یعنی رودخانه‌ها و چشمه‌ها و دریاچه‌ها و هم چنین آب‌های زیرزمینی است که سفره‌های آب زیرزمینی را تغذیه می‌کند. بنابراین با کمترشدن نزولات جوی در اثر شوک‌های طبیعی مانند خشکسالی چندین ساله، وضعیت عرضه آب شیرین پیچیده‌تر می‌شود». در ادامه حاصل این گفت‌وگورا می‌خوانید.

در کشور ما اغلب مدبری که روی کار می‌آید دنبال صندلی ریاست‌بعدی است و بیشتر به فکر جایگاه خود است تا حل مشکلات. به همین دلیل مشکلات تنها ازمدیری به مدیر دیگر منتقل شده است

استاندار سرانه جهانی، سوخت شش برابر، لوازم آرایش دوازده برابر و ضایعات نان هشت برابر و در مورد اقدام دیگر نیز وضع به‌تر از این نیست.

باتوجه به اینکه براساس اظهارات وزیر نیرو آب مردم تهران به زودی قطع خواهد شد فکر می‌کنید عمق این بحران تا چه اندازه‌ای خواهد بود؟

واقعیت این است که کمبود آب در حال تبدیل شدن به بحرانی سراسری و شدید در ایران است. نمود‌های آشکار این عارضه در خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها نظیر دریاچه بختگان، ارومیه و تالاب انزلی هویداست. قسمت پنهان بحران اما به تخلیه منابع آب زیرزمینی برمی‌گردد. در سمت عرضه این منبع مشترک در ایران، به صورت تاریخی همواره دشواری‌های بسیاری وجود داشته است. ایران در منطقه خشک و نیمه خشک قرار گرفته و میزان نزولات جوی سالانه در ایران براساس گزارش شرکت مدیریت منابع آب ایران حدود یک سوم میزان ۸۰۰ میلی‌متری میانگین جهانی است. نزولات جوی به عنوان منبع اولیه تامین آب‌های جاری، یعنی رودخانه‌ها و چشمه‌ها و دریاچه‌ها و هم چنین آب‌های زیرزمینی است که سفره‌های آب زیرزمینی را تغذیه می‌کند. بنابراین با کمترشدن نزولات جوی در اثر شوک‌های طبیعی مانند خشک‌سالی چندین ساله، وضعیت عرضه آب شیرین پیچیده‌تر می‌شود. تغییر اقلیم نیز به عنوان پدیده‌ای جهانی و با منشأ انسانی، این شوک‌های ناشی از عرضه آب را تعمیق می‌کند. از طرف دیگر در سمت تقاضا نیز با افزایش جمعیت

کمبود بارندگی به دو شکل بروح و روان مردم اثر می‌گذارد یکی ایجاد اضطراب و نگرانی نسبت به آینده و دیگری وحشت از فقر و تهیدستی و از دست دادن استعدادهای کشاورزی و اجبار به مهاجرت از سرزمین مادری

علی صوفی:

پزشکیان راه «اتخاذ تصمیم کارشناسی» را اشتباه رفت

تصمیمات دقیق برای حل بحران‌های کشور گرفته‌شد. عضو کابینه دولت اصلاحات یادآور شد: تشکیل کمیته برای بررسی بحران نشانه ناکارآمدی است. هیچ وقت با تشکیل کمیته موضوع و مسئله‌ای حل نمی‌شود. باید وزیر مربوطه براساس توان کارشناسی وزارتخانه خود با سایر دستگاه‌ها استفاده کند راه حل به رئیس جمهور بدهد، نه آنکه شخص رئیس جمهور ۱۵ کمیته تشکیل دهد. متأسفانه آقای عارف معاون اول رئیس جمهور هم همین دیدگاه و رویکرد را دنبال می‌کندوبرای هر موضوعی یک کمیته تشکیل می‌دهد. وی تصریح کرد: آمریکا به جاسوسان خود توصیه می‌کند که برای از کارانداختن سیستم اداره کشورها، مقامات آنها را تغیب به تشکیل

رفت و این وعده زمین مانده است.

رفت و این وعده زمین مانده است.

گزارش

اعزام اسماعیل بقالی به نیویورک؟

شایعه‌ای که واقعیت نیافت

بر اساس این خبر که بر مبنای شنیده‌های یک رسانه غیررسمی منتشر شده بود، قرار است اسماعیل بقالی، سخنگوی وزارت امور خارجه جایگزین امیرسعید ابروانی، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در مقر اصلی سازمان ملل در نیویورک شود. ابروانی سال ۱۴۰۱ جایگزین مجید تخت‌روانچی شد و به نیویورک رفت. اگرچه سه سال از ماموریت ابروانی در نیویورک می‌گذرد اما الزاماً این به معنای پایان ماموریت او نیست؛ چرا که پیش از این کمال خرازی ۸ سال، محمد جواد ظریف ۵ سال و محمد خزاعی ۶ سال در این جایگاه بودند. به غیر از دوره‌های یک تا چهار ساله‌ای که در سوابق وجود دارد، پیگیری خبرنگار فارو نشان می‌دهد که خبر جابه‌جایی بقالی و اعزام او به نیویورک، شایعه بوده و تاکنون چنین موضوعی مطرح نشده؛ اما همین شایعه نیز بی هدف منتشر نشده است.

از ژنو تا سخنگویی

بقالی با تغییر دولت در سال ۱۴۰۳، همراه سال گذشته با حکم سید عباس عراقچی به عنوان معاون وزیر، سخنگو و رئیس مرکز دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای وزارت امور خارجه منصوب شد. او از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ سفیر و نماینده دائم ایران در مقر سازمان ملل در ژنو (مقراروپایی سازمان ملل) بود. پس از پایان ماموریتش در ژنو، به تهران بازگشت و به عنوان مشاور و دستیار وزیر امور خارجه وقت مرحوم حسین امیرعبداللهیان مشغول به کار شد. بقالی از جمله دیپلمات‌های دیگر در مذاکرات برجام بود که حضورش در وزارت امور خارجه تحت مدیریت امیرعبداللهیان با حملاتی از سوی جریان تندرو رویو می‌شد. به خصوص این که او از زمان حضور در ژنو، دیگر مذاکرات احیای برجام تحت مدیریت علی باقری کنی، معاون سیاسی وقت وزارت امور خارجه نیز شده بود و این نقش را پس از بازگشت به تهران نیز ادامه داد. او در دوران اجرای توافق هسته‌ای هم دبیر ستاد اجرای برجام در وزارت امور خارجه بود. در مذاکرات احیای برجام، جایگزین کاظم غریب‌آبادی شد که سال ۱۴۰۰ از ماموریت وین به تهران بازگشته و معاون امور بین‌الملل قوه قضائیه شده بود. بقالی در این دوران، کمیته هسته‌ای تیم ایران را مدیریت می‌کرد. فروردین ۱۴۰۱ محمود نبویان، نماینده مجلس در یادداشتی انتقادی درباره مذاکرات احیای برجام و متنی که باقری کنی روی آن مذاکره می‌کرد، با ذکر اشکالاتی که نسبت به این متن داشت، نوشته بود: «همه این اقدامات تا ساف بار ناشی از آن است که مسئولین اصلی مشغول در مذاکرات فعلی وین- یعنی مسئولین کمیته‌های هسته‌ای، تحریم، تصمیم‌گیری مشترک و ضمیمه بازرجا- عیناً همان مسئولین اصلی تیم مذاکراتی آقای ظریف هستند. به‌طوری که کمیته هسته‌ای به آقای بقالی و کمیته تحریم به آقای سادات میدانی و دو کمیته تصمیم‌گیری مشترک بازرجا به آقای صابری انصاری سپرده شده است. لازم است به رئیس جمهور محترم- جناب حجه‌الاسلام دکتر رئیسی- که بحمدالله به صورت جدی در صدد رعایت خطوط قرمز نظام در مذاکراتی، یادآوری شود که برای سداب به یک توافقی که با رعایت خطوط قرمز نظام بتواند منافع ملت ایران را تامین کند، مستلزم آن است که تغییر فوری در تیم مذاکرات داده شود و از افراد انقلابی و متدین و متعهد به منافع ملت و خطوط قرمز نظام استفاده شود.»

ارتقا یا فتنزل؟

بقالی در حال حاضر یکی از هفت معاون وزیر امور خارجه و یکی از تغییرات اصلی سال ۱۴۰۳ در ساختار این وزارتخانه است. پس از حضور در مرکز دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای نیز بعضی تغییرات در برنامه‌های این مرکز را کلید زد؛ از جمله برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با دانشجویان دانشگاه‌های مختلف و انجمن‌های علمی. همچنین از وزارتخانه‌ای است که کار خود را از سطح کارشناسی در وزارت امور خارجه در دهه ۸۰ آغاز کرد و هیچ وقت خارج از دستگاه نبود. با توجه به جایگاه امروز بقالی در ساختار اداری وزارت امور خارجه، اعزام او به نیویورک به عنوان رئیس نمایندگی ایران در مقر سازمان ملل، به معنی ارتقاء اداری نیست. چرا که او پیش از این جایگاه مشابه را در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ در مقراروپایی سازمان ملل بر عهده داشت. اگر او از ژنو به نیویورک هم رفت، از لحاظ اداری جایگاهش ارتقاء پیدا نمی‌کرد چرا که در هر دوی این نقاط ماموریت، به عنوان سفیر و نماینده دائم حضور پیدا می‌کرد. در حال حاضر نیز معاون وزیر و سخنگوی دستگاه دیپلماسی است و انتقال به نیویورک از لحاظ اداری برای او ارتقاء به حساب نمی‌آید. از سوی دیگر ریاست نمایندگی در نیویورک به عنوان مدیریت ارتباطات دیپلماتیک و حضور در مرکز تماس‌های بین‌المللی یکی از مهمترین جایگاه‌های سیاسی محسوب می‌شود. در فاصله سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ نیز این نمایندگی توسط مجید تخت‌روانچی مدیریت می‌شد. در حالی که دو سال پیش از آن، از وزارت امور خارجه به دفتر رئیس جمهور رفته و معاون سیاسی شد. دفتر دو، در همین ماموریت بود که مشخص شد تخت‌روانچی به سرطان مبتلا شده و زمانی که به ایران بازگشت نیز تا دو سال مسئولیتی نداشت تا این که به عنوان معاون سیاسی عراقچی به وزارت امور خارجه برگردید. باتوجه به پیگیری‌های فارو این موضوع درباره انتقال بقالی مطرح نیست و هنوز علت طرح ناگهانی آن نامشخص است.